



بررسی برخی استدلال‌های اخلاقی علیه صمیمیت استاد در تدریس

محمد جواد فلاح^{۱*}، زهرا عواطفی^۲

چکیده

یکی از مؤلفه‌های ارتباط مؤثر در فرایند تدریس استاد، مسئله ارتباط عاطفی و صمیمی با فراگیر است. ضروری بودن این مؤلفه نزد بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت و عالمان روانشناسی و اصحاب دانش تکنولوژی آموزشی مسلم قلمداد شده است. به نظر می‌رسد نمی‌توان به شکل مطلق چنین ایده‌ای را پذیرفت. با نگاه اخلاقی به این دیدگاه، اشکالاتی مطرح شده و استدلال‌هایی را از جمله: به چالش کشیده شدن اقتدار استاد، فروکاستن شأن استادی و... بر علیه صمیمیت اقامه کرده‌اند که قابل توجه است. در این مقاله ضمن تبیین استدلال‌های مطرح شده، با کمک روش توصیفی و تحلیلی آن‌ها را بررسی خواهیم کرد و به این نتیجه رهنمون خواهیم شد که صمیمیت استاد باید بر اساس شاخص‌های اخلاقی صورت پذیرد تا از ایجاد مشکلات و موانع در فرایند تدریس و اهداف آموزشی پرهیز گردد. از این رو نمی‌توان به شکل مطلق صمیمیت و رابطه عاطفی فراگیر با استاد و معلم را پذیرفت.

کلید واژه‌ها: رابطه صمیمانه، استاد، دانشجو، تدریس

۱- دانشجویار دانشگاه معارف اسلامی، Mjfallah.ac@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی، avatefi14@gmail.com

مقدمه

تعامل استاد و دانشجو اولین گام و مهم‌ترین بخش تدریس است. بار عاطفی و صمیمیت بین استاد و دانشجو از مسائلی است که می‌تواند از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این ابعاد، بعد اخلاقی به مسئله است. اینکه ماهیت صمیمیت چیست و چه معنایی را برای آن بیان کرده‌اند؟ در پژوهش‌های مختلف، همان رابطه دوستانه است که از عرف و شرع فهمیده می‌شود. مقصود ما نیز همین صمیمیتی است که در کلاس درس بین استاد و دانشجو شکل می‌گیرد. اینکه آیا این نوع صمیمیت مطلوب است یا خیر؟ سوالی است کلی که باید به‌طور کامل بدان پرداخت. نویسنده در پژوهشی مستقل، استدلال‌های به نفع صمیمیت را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه کسانی را که به‌نحوی با صمیمیت استاد در کلاس و خارج از کلاس موافقند را مطرح نموده است. اینکه آیا صمیمیت در کلاس مخالفانی هم دارد یا خیر یا اینکه می‌توان بر علیه صمیمیت نیز استدلال‌هایی بیان کرد، مسئله مقاله حاضر است.

عدم تشخیص صحیح رابطه، و اطلاع از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای گاهی مشکلاتی را به‌وجود آورده است که موقعیت استاد و دانشجو را پر تنش می‌سازد و پیامدهایی را به‌همراه خواهد داشت. یکی از چالش‌ها و محل مناقشه پژوهش، محدوده و قلمرو رابطه عاطفی و صمیمی استاد با دانشجو است. که این امر نیاز به اخلاق حرفه‌ای را بیش از پیش برای حرفه مدرسی و دیگر حرف تقاضا می‌کند. بدیهی است که هرگاه هر اصلی در هر زمینه‌ای دچار افراط و تفریط گردد، با آسیب‌ها و مشکلات متعددی مواجه خواهد شد. «اصل صمیمیت» نیز از این امر مستثنی نیست. از مهم‌ترین حوزه‌های هدف که می‌توان این اصل را سنجید، حوزه آموزش و ارتباط استاد و دانشجو است. زیاده‌روی در این اصل قطعاً اهداف موردنظر را دچار مشکل خواهد ساخت و بار ارزشی کار را به اندازه قابل توجه کاهش خواهد داد. این آسیب‌ها زمانی صبغه پررنگ‌تری به خود می‌گیرد و چالش‌ها را جدی‌تر می‌نمایند که جنسیت نیز دخیل در این مسئله باشد. شاید بتوان گفت آموزش برای همجنس از مشکلات کمتری برخوردار است تا نسبت به آموزش برای جنس مخالف. همچنین گستردگی مشکلات آموزش اساتید مرد در بین جنس مخالف بیشتر از مشکلات اساتید زن برای جنس مذکر است. بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم تربیتی و علوم اجتماعی با تعلیم و تربیت مختلط به مخالفت پرداخته و آن را مخالف علایق و خصوصیات و نیازهای جنسی هر کدام از

دو جنس و نیز مخالف علایق و ویژگی‌های فرهنگی در جوامع گوناگون دانسته‌اند.^۱ به گفته یکی از محققان به نام آستین،^۲ وقتی هم دانشجویان و هم اعضای هیئت علمی یک دانشگاه عمدتاً از یک جنس باشند، تحصیل دانشجویان در آن مؤسسه آموزشی، تأثیرات مثبت بسیاری در پی خواهد داشت. او معتقد است وقتی دانشجویان و اعضای هیئت علمی و استادان از یک جنس باشند، احساس شناخت و همدلی مشترک بیشتری خواهد بود. (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۰۳) همچنین یافته‌های تحقیقاتی دیگر حاکی از این است که تحصیل دانشجویان زن دوره کارشناسی در یک آموزش‌سکده زنانه، به‌ویژه در مراکز آموزشی ممتاز و موفق در مناطق آزاد، عامل مهمی در جهت تبیین الگوهای شغلی موفق برای آنان است. (تقوی، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۴) علاوه بر این، روان‌شناسان عموماً اتفاق نظر دارند که انسان‌ها انگیزه دارند که با یکدیگر پیوند برقرار کنند. چرا که انسان از لحاظ درونی، نیاز به ارتباط یافتن با دیگران به صورتی دوستانه و عاطفی دارند. (Baron, 1997 به نقل از پناهی، ۱۳۹۶: ۱ / ۴۶) احساس نیاز به همزیستی صمیمانه، همدلی و همراهی با دیگران، افزون بر اینکه یکی از جلوه‌های زندگی اجتماعی به‌شمار می‌رود، ندایی است درونی که او را به ایجاد رابطه صمیمانه با هم‌نوع فرامی‌خواند. (پناهی، ۱۳۸۸: ۱۸۲) لذا از آنجا که نیاز به ارتباط و پیوندجویی عاطفی در زنان بیشتر است، (رودز، ۱۳۹۲: ۱۰) بهتر است که برای پیشگیری چنین امری زمینه‌های مناسب فراهم آید. همچنین با توجه به نگاه زیباشناختی، آراستگی و زیبایی از ویژگی‌هایی است که در ایجاد رغبت، علاقه‌مندی نقش زیادی دارد؛ از طرفی بررسی‌های تجربی و میدانی، افزون بر تأیید این مطلب، نشان می‌دهد که همه انسان‌ها به‌ویژه مردان، تحت تأثیر شدید زیبایی و آراستگی قرار دارند. (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۲۰۵) و از آنجا که زنان از ظرافت و زیبایی خاصی نسبت به مردان برخوردارند، باید نسبت به نوع روابط خود مراقبت بیشتری داشته باشند. در مقابل این دیدگاه، رویکرد دیگری هست که چنین محدودیتی را برای رابطه استاد و شاگرد برنمی‌تابد و ساحت و شأن محیط علمی را فراتر از چنین حد و حدودی می‌داند چرا که ما با قشر فرهیخته‌ای مواجه هستیم که به‌واسطه شناخت و معرفت و رشدیافتگی، به دام چنین مشکلاتی نخواهند افتاد. از سویی به نفع چنین رویکردی عده‌ای معتقدند که رابطه

۱- البته دیدگاه رقیب با توجه به دلایلی این موضوع را رد می‌کند. از جمله آن‌ها معتقدند مردان و زنانی که در فضای باز و بدون قید و بند جنسیتی تحصیل و کار می‌کنند، برای کارهای مشترک در آینده در ساختن جهانی بهتر، آمادگی بیشتری خواهند داشت. همچنین به تعبیر دکتر هریس، در مدارسی که دارای فضای باز جنسی است، هیچ مشکل جنسی و گرایش‌های جنسی وجود ندارد، ولی در مدارس مجزا و غیرمختلط، افراد با تمایلات و گرایش‌های جنسی رشد می‌کنند. (تقوی، ۱۳۹۴: ۶۸)

استاد و دانشجو هرچه رنگ صمیمیت و رفاقت به خود بگیرد میزان کارآمدی بهتر و مؤثرتری به دنبال دارد. در یک مطالعه کیفی، از جمله ویژگی‌های استاد نمونه، برقراری ارتباط و تعامل دوستانه و ایجاد یک جو صمیمی است. (چراغی، ۱۳۹۳: ۵) و هچنین فالونا (۲۰۰۰) بر پایه ویژگی‌های اخلاقی ارسطویی، شجاعت، صمیمیت، صداقت، شوخ‌طبعی، محبت، پذیرش و انبساط روحی و ... را از صفات اخلاقی نام برد که استاد می‌تواند از آن‌ها برای تدریس موفق به‌کار ببرد. (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۷۸) در عین‌حالی که نظریه رقیب این مسئله را مبتنی بر مواردی همچون حفظ اقتدار استاد، عدم سوءاستفاده دانشجویان از استاد را رد می‌کند و بازخورد چنین رابطه‌ایی را دور از شأن استاد و حتی در برخی از موارد، دور از جایگاه دانشجو می‌داند.

می‌توان برای موافقین و مخالفین دیدگاه‌هایی را طرح و براساس آن استدلال نمود. مهم‌ترین آن‌ها را اجمالاً طرح و به چند استدلال مهم به شکل تفصیلی خواهیم پرداخت؛ موافقان این نظریه، برقراری ارتباط دوستانه بین استاد و دانشجو را به‌عنوان یک اصل پذیرفته و از طریق پژوهش‌های متعدد آن را به اثبات رسانده‌اند. سخن آن‌ها همراه با ادله‌ایی است که در مقاله‌ای مجزا بدان پرداخته شده است. اما مخالفین، با پذیرش اصل ارتباط، با صمیمیت و رابطه عاطفی استاد چه در محیط کلاس و چه در فضای بیرون از کلاس مخالفند. آن‌ها وجود چنین ارتباطی را که حاکی از صمیمیت استاد و دانشجو باشد، به دور از شأن و منزلت استاد می‌دانند و معتقدند که استاد ضمن حفظ رابطه، نباید خود را در ارتباط صمیمی با دانشجو قرار دهد. چه‌بسا منجر به خدشه‌دار شدن موقعیت او و سوءاستفاده‌هایی از ناحیه دانشجویان گردد. در نگاه آن‌ها اقتدار و اتوریته استاد در همه حال باید حفظ شود. لذا با گوشزد کردن براهینی، چنین ارتباطی را با مقام استاد در تنافی می‌دانند که در این‌جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

- ۱- چنین ارتباط صمیمی و عاطفی با دانشجو، ندیدن و یا فروکاهیدن شأن و مقام استاد است.
- ۲- چه بسا این‌گونه ارتباطات منجر به روابط خارج از عرف و شرع بشود.
- ۳- آسیب‌پذیری استاد و دانشجو.
- ۴- درگیر شدن فضای یادگیری با مسائل عاطفی و گاهی احساسی.
- ۵- ایجاد حس دوگانگی در دانشجو.
- ۶- وابستگی شدید دانشجو.
- ۷- یک‌طرفه بودن این رابطه. (عدم تمایل استاد به ادامه طولانی مدت این رابطه).
- ۸- خدشه در نقش الگودهی استاد.
- ۹- تجاوز به حریم خصوصی طرفین.
- ۱۰- ایجاد فضای ناسالم اخلاقی.
- ۱۱- آزار جنسی.
- ۱۲- سلب اعتماد از طرفین.
- ۱۳- عدم رعایت عدالت.
- ۱۴- خدشه در داوری و ارزیابی صحیح.
- ۱۵- رعایت بیش از حد ملاحظات و ندیده شدن حق طبیعی دانشجو.

داوری اخلاقی نسبت به اتخاذ یکی از دور روش بدون تعمق و جوانب‌سنجی، قضاوتی زود هنگام و نابهنگام است. نگارنده با نگاه مثبتی که به فضای دانشگاهی دارد و دانشگاه را از مهم‌ترین نهادهای جامعه می‌داند، به‌هیچ‌وجه درصدد سیاه‌نمایی فضای علمی دانشگاه نیست. منتها شواهد موجود که در قالب مشاوره بیان شده، همچنین برخی از آمارهای منتشر شده از سوی کمیته‌های انضباطی و تجربه‌های زیستی برخی از اساتید و دانشجویان، ما را برآن داشت که به انگیزه هشدار و پیشگیری از رخداد چنین اتفاقاتی به طرح چنین مباحثی بپردازیم. لذا برآن شدیم تا نگاه کسانی را که منکر «اصل صمیمیت» در این نوع ارتباطات را مورد بررسی قرار داده، دغدغه و نگرانی‌ها و دلایلی که ارائه می‌کنند را تحلیل و ارزیابی کنیم. باز هم تأکید خواهیم کرد که نیت نگارنده مخدوش کردن سیمای دانشگاهی نیست؛ هر سازمانی نقاط آسیب‌پذیری دارد که سهل‌انگاری نسبت با آن‌ها مشکلات عدیده‌ای را برای سازمان و افرادش و در نگاه فراتر برای جامعه در پی خواهد داشت. دانشگاه و رابطه استاد و دانشجو از این امر مستثنی نخواهد بود. در ادامه ضمن آوردن مستندات پیرور دیدگاه رابطه صمیمی و دوستانه بین استاد و دانشجو، به ارائه نظریه صحیح خواهیم پرداخت.

استدلال‌ها علیه رابطه صمیمی و عاطفی استاد با دانشجو

برخی از دیدگاه‌ها صمیمیت استاد را مخل نظام آموزشی و حتی تربیتی می‌دانند. و آسیب‌های متعددی را برای این نوع ارتباط برشمرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره شد در اینجا مواردی از آن را به‌نحو تحلیلی مورد بررسی قرار خواهیم داد:

استدلال مبتنی بر فروکاستن شأن استاد

یکی از مهم‌ترین و درواقع اصلی‌ترین ادله مخالفت رابطه صمیمانه و عاطفی استاد با دانشجو، فروکاستن شأن و جایگاه استاد قلمداد کرده‌اند. هرچند توجه اصلی، حفظ مقام استاد است ولی نمی‌توان شأن و جایگاه دانشجو را نیز نادیده انگاشت.

می‌توان این استدلال را این‌گونه مطرح کرد؛

مقدمه اول: صمیمیت استاد، زمینه ارتباط‌های نامطلوب و مخرب با دانشجوست.

مقدمه دوم: هرآنچه باعث ارتباط نامطلوب و مخرب باشد باعث فروکاستن شأن استاد و درنتیجه غیراخلاقی است.

نتیجه: پس صمیمیت بین استاد و دانشجو غیراخلاقی است.

البته هرکدام از مقدمات این قیاس نیاز به تحلیل و بررسی دارد و وقتی از صمیمیت بحث می‌کنیم باید پرسیم کدام صمیمیت؟ و ارتباط‌های نامطلوب و مخرب چگونه ارتباطی است؟

به‌عنوان مثال آیا می‌توان شوخی‌های خارج از عرف و نزاکت را محصول چنین رویه‌ای دانست و آن را از مصادیق ارتباط نامطلوب دانست؟ آیا سیگنال‌های جنسی که می‌تواند منجر به صدمات روحی، فکری و اخلاقی شود نتیجه چنین صمیمیت‌هایی نیست؟ این‌ها نیاز به تبیین و بحث دارد. با این وصف، بسیاری از نتایج غلطی که در صمیمیت اساتید و متعلمان رخ داده می‌تواند این استدلال را قوی‌تر سازد. نکته اینجاست که متعهد و ملزم نبودن برخی از اساتید به استانداردهای اخلاقی و همچنین سوءمدیریت رفتاری آنان، بروز و گسترش چنین مشکلاتی را دامن می‌زند. البته اینکه جایگاه دانشجو در این تخطی اخلاقی کجاست؟ خود بحث مستقلی است که مورد هدف این پژوهش نمی‌باشد. یک استاد باید در برقراری ارتباط خود طبق چارچوب خاصی رفتار کند. اگرچه تعامل با دانشجویان چه در داخل و چه در خارج از کلاس دارای ثمرات بسیاری است، اما نباید از حالت افراط آن که پیامدهایی چون استثمار، مسامحه در مورد استانداردهای علمی و آسیب به پیشرفت دانشجو و ... را نادیده گرفت. شأن و مقام آنان همچون انبیای اطهار^۸ است که به یقین، تجلی برترین معلم اخلاق یعنی خداوند هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۸۶) اسلام رابطه‌ایی را می‌پذیرد که در آن احترام و حریم‌های بین استاد و دانشجو حفظ شود. (مطلبی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۴ / ۷۲) لذا بر استاد لازم است که به جهت داشتن چنین موقعیتی از بروز چنین خطراتی جلوگیری کند. (روان‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۷ / ۱۱۲-۱۱۱) و در پاسداشت آن به جد تلاش کند.

شاید بتوان فروکاستن شأن استاد را مبتنی بر رفتارهای خلاف عرف و ناهنجار تبیین کرد؛ اگر در ارتباط با جنس مخالف صمیمیت‌های نابجا که منجر به روابط خلاف عرف می‌گردد را از مصادیق فروکاستن شأن استاد بدانیم نوع شوخی و سبکسری که ممکن است یک استاد به حکم صمیمیت از خود بروز دهد نیز مصداق چنین فروکاهشی است. شوخی‌های رکیک یا سخنان بسیار سخیف و یا رفاقت‌های خارج از عرف با دانشجویان همجنس از مصادیق چنین رویکردی است. از این جهت به‌نظر می‌رسد باید در نوع صمیمیتی که در کلاس درس اتفاق می‌افتد تأمل بیشتری کرد و بر اساس مصادیق یا نشانه‌های چنین صمیمیتی درباره آن قضاوت نمود. هریس می‌گوید: «تنها افراد دارای شخصیت خوب می‌توانند بر دیگران تأثیر مثبت بگذارند. تا زمانی که افراد گرفتار هواها و منیت‌ها هستند، نمی‌توانند از شخصیت خوب برخوردار شوند و معلم این دوگانگی میان گفتار و رفتار معلم را به خوبی درک می‌کند.» (باتل، و شانون، ۱۳۶۷: ۱۴)

استدلال مبتنی بر اخلال در مدیریت استاد

محور این استدلال این است که مدیریت کلاس به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف آموزشی به حساب می‌آید. در اصل این صمیمیت، به مدیریت درست استاد در کلاس خلل وارد می‌کند. در استدلال قبل، محور استدلال، شخص استاد بود ولی در اینجا حقوق نظام آموزشی و حق دانشجویان به عنوان متعلمین، محور استدلال است. در این صورت صمیمیت باعث خدشه دار شدن مدیریت کلاس و به تبع آن از هم گسیختن مدیریت آموزشی خواهد شد و نتیجه‌ای جز هدررفت منابع و نیروی انسانی و همچنین وقت دانشجویان و نظام آموزشی نخواهد بود. در واقع آنچه صمیمیت اینچینی را خدشه دار می‌کند، اقتدار استاد است که بالتبع مدیریت کلاس را به چالش می‌کشد؛ از این جهت و با چنین استدلالی، صمیمیت، امری غیراخلاقی است. از طرفی باید به این نکته توجه داشت که شوخ‌طبعی، حسن خلق، تغافل، دلسوزی، و سهل گرفتن بر دانشجو، تعاملات حضوری و تلفنی همچنین ارتباط‌های مجازی به انضمام سوءمدیریت رفتاری و گفتاری استاد چه بسا آگاهانه یا ناآگاهانه خود زمینه‌های انحراف از این اصل اساسی را شکل بدهد. توانمندی استاد در مدیریت این گونه رفتار، راه را برای ایجاد حواشی‌ها می‌بندد. موقعیتی را فرض کنید که دانشجویان با استادی سروکار دارند که به جهت حسن خلق، زبانزد همه آن‌هاست، این در حالی است که حسن خلق را وجه‌ای از صمیمیت استاد پذیرفته‌ایم. برخی از دانشجویان را در نظر بگیرید که از این موقعیت استفاده کرده و با تأخیر قابل توجهی وارد کلاس می‌شوند و یا زودتر از اتمام کلاس، آنجا را ترک می‌کنند. همچنین ورود و خروج بی‌جهت دانشجویان حین کلاس و غیبت‌های مکرر نیز بعد دیگری از این مسئله است. دانشجویان با تصور اینکه با استادی روبه‌رو هستند که به جهت حسن خلق و صمیمیت، چنین مسائلی برایش مهم نیست و از همه مهم‌تر قابل چشم‌پوشی و تغافل است، به گونه‌ای، نظم کلاس را به هم ریخته و مدیریت استاد را زیر سؤال می‌برند. اگرچه حسن خلق یکی از بارزترین ویژگی یک مدرس است، هیچ منافاتی با اقتدار و اتوریته استاد ندارد. بنابراین اگر استادی بخواهد موفق عمل کند باید عین دارا بودن ویژگی‌های اخلاق فردی در حرفه خود نیز تبحر داشته باشد و مانع از رخداد این پشامدها و ناهنجاری‌ها در کلاس بشود. چنانچه قبلاً هم ذکر شد، توجه به جنسیت و تأثیر آن در تشدید و ضعف این معضلات را نباید نادیده انگاشت. همچنین شایان ذکر است که براساس شواهد موجود دانشجویان شهرستانی بیشتر از دانشجویان بومی همان منطقه درگیر مسائل عاطفی می‌شوند؛ دوری از خانواده، تنهایی، دلتنگی و بروز مشکلات دیگر زمینه را برای وابستگی عاطفی و پیامدهای آن، فراهم می‌کند.

استدلال مبتنی بر عدم عدالت

می‌توان این استدلال را این‌گونه مطرح کرد؛ صمیمیت، یک امر عاطفی است که نمی‌توان آن را درباره همه افراد به طور یکسان پیاده نمود. این ناتوانی نسبت به این مسئله در چند سطح قابل فرض است؛ یکی صمیمیت قلبی و دیگری ابراز این صمیمیت و مرحله سوم، لوازم عملی که این صمیمیت به‌همراه دارد. در نتیجه، این بی‌عدالتی باعث تضییع حقوق سایر افراد شده، پس صمیمیت امری غیراخلاقی است. به‌عبارتی، ممکن است صمیمیت بیش از اندازه نسبت به یک نفر یا گروهی خاص، فرد را در اجرای عدالت با مشکل روبه‌روسازد. موقعیتی را فرض کنید که در یک کلاس درس، دانشجویی حضور دارد که به‌لحاظ موقعیت اجتماعی، وجه بسیار خوبی دارد. پدری دارد که قاضی دادگاه است از قضا، استاد مدتهاست که درگیر پرونده حقوقی شده و دغدغه حل آن را دارد. ممکن است استاد از این دانشجو قلباً خوشش نیاید ولی به جهت حل مشکل مذکور، استاد را وادار کند که به او بیشتر از دیگر دانشجوها بها دهد. اهمیت این استاد ممکن است به همین بسنده نشود؛ تصحیح اوراق امتحانی، فرصت‌های آموزشی، مصاحبه و...، دیگر حوزه‌های است که ممکن است استاد را به انجام عملی غیرعادلانه و اخلاقی سوق دهد. در راستای چنین عملی چه‌بسا حقوق دانشجویی که از این موقعیت اجتماعی برخوردار نیست، نادیده گرفته شود. در این مورد هم باید از نوع و ماهیت صمیمیت سخن گفت و این پرسش را مطرح کرد که کدام صمیمیت؟ در این صورت اگر صمیمیت لازمه‌اش بی‌عدالتی نباشد مشکلی به‌همراه نخواهد داشت. در اصل ما از صمیمیتی سخن می‌گوییم که لازمه‌اش بی‌عدالتی است. ممکن است با این وصف کسی بگوید اصل صمیمیت مشکلی ندارد ولی اینکه استادی آگاهانه یا غیرآگاهانه به‌خاطر الفت و صمیمیت با دانشجویان ناعادلانه رفتار نماید یا در ارزشیابی نسبت به دانشجویی سهل‌گیرانه‌تر برخورد کند، این از نظر اخلاقی نارواست. از این جهات باید مسئله را به گونه‌ای دیگر قضاوت اخلاقی نمود.

مسئله جنسیت باز در این مسئله قابل دقت است. لذا این امر را تشدید و موضوع را حادثر و دامنه مشکلات را بیشتر خواهد کرد. در کلاس‌هایی که مثلاً استاد آقاست و دانشجوها خانم هستند، این مسئله به دلیل مباحث روانشناختی و جنسیتی، تجلی بیشتری پیدا می‌کند. فرض کنید استادی بنا به هر دلیلی ارادت خاصی نسبت به یکی از دانشجویان خواهد داشت، علت این رفتار ممکن است هوش بالا، ادب و نزاکت، زیبایی و ... باشد. آیا این علاقه و ارادت درونی، پای خود را به صحنه عمل خواهد گذاشت؟ آیا باعث خواهد شد که رفتارهای تبعیض‌آمیز از استاد سر بزنند؟ آیا نوع رفتار و نگاه خاص استاد، اجازه قضاوت اخلاقی را به

دیگر دانشجویها نسبت به اعمال و رفتارشان خواهد داد؟ گذشته از این موارد، پیامدهای آسیب‌زای معوقه همچون ایجاد تنش، فشارهای روحی، ناامیدی، بی‌انگیزگی، افسردگی و در موقعیت‌های حاد ترک تحصیل، دستاوردهای سوء چنین رفتار ناعادلانه‌ای است.

برخی آمارها خبر از وجود تبعیض اساتید در ابعاد مختلف آموزشی می‌دهد؛ تبعیض در تقسیم فرصت‌های آموزشی، بی‌عدالتی در نمرات پایانی یا قضاوت و داوری در تحقیقات پایانی، تبعیض جنسیتی، نمونه‌هایی از این نوع بی‌عدالتی‌هایی است که یکی از دلایل آن می‌تواند ماحصل رابطه صمیمی بین استاد و دانشجو باشد. با اینکه وجود این رابطه بی‌تأثیر نیست، نمی‌توان همه مشکلات پیش‌آمده را ناشی از این مسئله دانست. در اصل صمیمیت، اگر از نوع افراطی و کاملاً شخصی بین استاد و شاگرد صورت گیرد، زمینه ایجاد چنین بی‌عدالتی را ممکن است فراهم کند. پس براساس این دیدگاه، برای جلوگیری از چنین آفتی هرچه بتوان صمیمیت بین استاد و شاگردان را در نظام آموزشی کاهش داد می‌توان به شکل موفق‌تری به اهداف آموزشی دست‌یافت. چنین رویه‌ای با عدالت نیز سازگارتر است. چه‌بسا توجه ویژه استاد به یک دانشجو و حتی در برخی موارد، شکل‌گیری رابطه عاطفی میان استاد و دانشجو باعث ایجاد سوءتفاهم میان سایر دانشجویان و حتی مسئولان دانشگاه شود. شاید این ذهنیت برای سایر دانشجویان ایجاد شود که دانشجوی مورد توجه استاد، از برخی مزیت‌های ناعادلانه مانند عدم نیاز به حضور در کلاس، دریافت آموزش‌های اختصاصی یا کسب نمره بالاتر بهره‌مند است. (www.isna.ir) این رفتار از سوی استاد می‌تواند منجر به ایجاد تنش در محیط آموزشی بشود. در عین‌حالی که این روابط، تبعات منفی برای استاد به ارمغان خواهد آورد، ممکن است موقعیت شغلی وی را به خطر بیندازد. دانشجو نیز در عین اینکه ممکن است منتفع از این ارتباط باشد وابستگی‌ها و توقعاتی برایش حاصل خواهد شد که او را دچار دوگانگی خواهد کرد. عوامل متعددی ممکن است بستر چنین روابط عاطفی افراطی را رقم بزند که از نگاه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی قابل بررسی خواهد بود.

استدلال مبتنی بر مخاطره آمیز بودن صمیمیت

اگر بخواهیم در قالب قیاسی این استدلال را بیان کنیم این‌گونه می‌شود طرح کرد: صمیمیت باعث ایجاد خطرهایی می‌شود، ایجاد خطر برای خود و دیگران غیراخلاقی است پس صمیمیت غیراخلاقی است. این مسئله را می‌توان به ضرر داشتن صمیمیت نیز بار نمود. در اصل به‌جای مخاطرات می‌توانیم ضرر داشتن را بیاوریم و حتی بر اساس قاعده لاضرر نیز آن را توجیه کنیم. این اصل-به‌ویژه در تنظیم روابط اجتماعی کارآیی فراوان دارد. بر مبنای این اصل هیچ کس حق ندارد بدون توجیه اخلاقی ضرری به دیگران وارد کند. این

مخاطرات و ضررها، هم در مورد اساتید هم دانشجویان و هم نظام آموزشی قابل صدق است. همچنین این آسیب‌ها شامل خطرات روحی، فکری، مالی، آبرویی و حتی جانی خواهد شد. گاهی صمیمیت باعث می‌شود استاد در معرض سوءاستفاده قرار گرفته، مخاطراتی را به‌همراه داشته باشد. چنانچه قبلاً هم اشاره شد این خطرها زمانی دوچندان خواهد شد که مسئله جنسیت نیز مطرح باشد؛ شما فرض کنید استادی را که بنا به هر دلایلی وارد یک رابطه عاطفی و صمیمی با دانشجوی خود شده است؛ تماس‌ها، پیام‌ها، و گذران ساعت‌های مدیری در فضای مجازی، چت کردن و قرار ملاقات‌های پی‌درپی، آیا چنین رفتارهایی خدشه در روابط زناشویی استاد نخواهد گذاشت؟ آیا سلامت روانی همسر و فرزندان ایشان حفظ خواهد ماند؟ گذشته از این موارد آیا پیامدهای این نوع ارتباط، شامل حال دانشجو نمی‌شود؛ گزارش‌هایی که شاید بنا به دلایلی از اشاعه آن خودداری شده است، این امر را ثابت می‌کند؛ وابستگی‌های عاطفی، افسردگی، بیماری‌های روحی - روانی، حسادت، ایجاد اختلال و دوگانگی، همه و همه از نتایج چنین ارتباطی است. متأسفانه برخی از اساتید خواسته یا ناخواسته و به‌دلیل متعهد نبودن به حرفه خود و عدم شناخت جایگاه ارزشی خود، باب این مسائل را برای خود باز می‌کنند و به جای اینکه از تمام انرژی خود صرف آموزش و مسائل جانبی آن کنند، زمان زیادی را برای این نوع ارتباط و مسائل پیش‌آمده از آن قرار می‌دهند. اینکه در این جریان ممکن است دانشجو، آغازگر این ارتباط باشد بحث دیگری است که مسئله این پژوهش نیست.

خطا و لغزش از چنین افرادی که منتصب به مقام شریف و والای معلمی هستند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به‌دنبال خواهد داشت. امام علی[×] در بیانی می‌فرماید: «زَلَّةُ الْعَالِمِ كَأَنَّكَ سَارِ السَّفِينَةِ تُعْرِقُ وَ تُعْرِقُ»؛ لغزش و گمراهی دانشمند و عالم مانند شکسته شدن کشتی است که خود غرق می‌شود و دیگران را نیز غرق می‌کند. (کراجکی، ۱۴۰: ۱ / ۳۱۹) بنابراین استاد در ارتباط با دانشجو باید ملاحظات اخلاقی را رعایت کرده و متعهد به استانداردهای اخلاق حرفه‌ای باشد. برخی از پژوهش‌ها، درگیر شدن استاد و دانشجو در این نوع ارتباط را فاجعه آموزشی تلقی کردند. (روان‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۷ / ۱۱۲-۱۱۱) و این برخاسته از جایگاه مهم و ارزشی معلم و متعلم است. ناگفته نماند این ارتباط عاطفی بیش از حد، ممکن است از سر دلسوزی و کمک کردن استاد به دانشجو در جهت رفع مشکلی شکل گرفته باشد که ناخواسته خود و دانشجو را وارد چنین فضاهایی می‌کند.

برخی پیشنهادات

آنچه مسئله صمیمیت را به عنوان امری غیراخلاقی معرفی می کند رویکرد افراطی به مسئله است. به نظر می رسد برداشتن چند گام می تواند در این باب مؤثر باشد: نخست، خودارزشیابی اخلاقی؛ به نظر می رسد مهم ترین عامل تأثیرگذار در مدیریت صمیمیت و عدم ابتلا به مسیرهای غلط اخلاقی، نگاه خودشناسانه اساتید است که باید خود را در این مورد داوری و مورد بازخواست قرار دهند. توجه به شأن معلمی می تواند انسان را نسبت به بروز این گونه رفتارها کمک کند. نگاه دینی چنین ارزش گذاری را بیشتر مورد اهتمام قرار داده و برای استاد و معلم جایگاه ویژه ای قائل شده است. چنانچه امام علی[×] در این رابطه می فرماید:

کسی که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار می دهد باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد به تعلیم خویش بپردازد و پیش از آن که با گفتارش تربیت کند، با کردارش تربیت نماید؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، به احترام و تعظیم سزاوارتر و شایسته تر است از آن که دیگران را تعلیم ادب آموزد. (نهج البلاغه، ج ۷۳)

در این نگاه ارزش مدارانه، انسان باید به مسئولیت اخلاقی خود در قبال شاگردان تأمل کند و مسئولانه در مواجهه با عواطف و احساسات خود بیاندیشد. مقام استادی در منابع و متون مقدس مورد اهتمام و جایگاهی الهی برای آن ترسیم شده است. (کهف/۶۵) و معلمان حقیقی همواره کسانی معرفی شده اند که بتوانند شاگردان خود را به دریای علم و اخلاق و حقیقت رهنمون شوند. معلم اگر به مقام عبودیت بار یابد، مشمول رحمت الهی شده و دریچه های علم را به قلبش می گشاید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۴۸۶) از این رو امام سجاد[×] در رساله حقوقیه از مقام استادی به عنوان ولایت یاد کرده و سرپرستی توأم با آگاهی و معرفت و دلسوزی و مهربانی و شفقت و همراه با صبوری را به عنوان حق شاگردان بیان می کند. ولایتی که در آن باج خواهی و خیانت و عواطف گناه آلود و مسموم راه ندارد. نکته دیگر قابل برداشت از کلام امام سجاد[×] کاربرد واژه رعیت است که فرمود: «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۱) در اینجا واژه رعیت متضمن معنای رعایت و مراقبت است. یعنی کسی که باید والی علمی و استاد از او مراقبت کند؛ هم از دین و هم قلب و هم عقل متعلم. استاد باید بداند که افرادی را که تحت تکفل دارد طعمه نیستند بلکه امانتی هستند که بر گردنش است.^۱ این مراقبت مسئولیت ویژه ای است که استاد به واسطه

۱- «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ أَمَانَةٌ وَ فِي يَدَيْكَ.» (نهج البلاغه / ۳۶۶)

جایگاه استادیش باید نسبت به آن توجه نماید. امام خمینی & در رابطه با اهمیت شغل معلمی چنین فرمودند که:

معلم امانت‌داری است که غیر همه امانت‌ها، انسان امانت اوست. امانت‌های دیگر را کسی خیانت بکند، خلاف کرده است ولی اگر به انسان خیانت شود، یک وقت می‌بینید خیانت به یک ملت است؛ خیانت به یک جامعه است؛ خیانت به اسلام است. بنابراین، این جایگاه در عین حالی که بسیار ارزشمند است، لکن مسئولیت بسیار بزرگ بر دوش انسان است. (خمینی، ۱۳۶۸: ۸ / ۲۳۹)

بخش دیگر این تلقی از خود، برای استاد نگاه ارزش‌مدارانه‌ای است که دیگران برای شأن او قائلند چه دانشجویان و چه شهروندان و حاکمیت. این نگاه ارزش‌گذارانه که استاد را در کلام معصومان با تعبیری چون وارثان انبیا^ا مورد اکرام قرار داده است در کنار تحذیرها و توجهاتی که به خطا و لغزش عالم مطرح شده^۱ می‌تواند چنین نگاه خودشناسانه‌ای را تقویت کند.

دوم، مراقبت‌های سازمانی؛ اساتید باید نسبت به این مسئله مراقبت بیشتری نمایند و در این زمینه کارگاه‌های آموزشی بیشتری برای اساتید تعریف شود. البته باید قوانین آموزشی نیز به این امر مدد رساند. برای عدم رخداد چنین مشکلاتی، برخی از کشورها قوانینی را تصویب کرده‌اند که وقوع چنین ناهنجاری‌های اخلاقی را از سوی مجامع علمی، تقلیل دهند؛ دانشگاه بریتیش کلمبیا در کلنادا، ارزیابی گسترده‌ای را در زمینه وضع قانون ممنوع کردن رابطه عاطفی میان استاد و دانشجو آغاز کرد. این تصمیم پس از اخراج استیون گالووی، استاد سابق این دانشگاه در سال ۲۰۱۶ به دلیل سوءرفتار و مشکلات اخلاقی اتخاذ شد. همچنین اتحادیه دانشجویان کبک کانادا متشکل از ۷۲ هزار دانشجو نیز پیشنهاد ممنوع شدن روابط استاد و دانشجو را به‌عنوان بخشی از تلاش برای مقابله با خشونت جنسی ارائه کردند. برخی از دانشگاه‌های مهم آمریکا از جمله هاروارد، ییل و کنتیکت، قوانینی مبنی بر ممنوعیت برقراری روابط عاطفی یا جنسی میان استاد و دانشجو وضع کرده‌اند. دانشگاه کمبریج انگلیس هم در اواخر سال ۲۰۱۷ قانون جدیدی را تصویب کرد که براساس آن، اساتید دانشگاه ملزم به اعلام داشتن هرگونه رابطه با دانشجویان می‌شوند. در این شرایط، حضور دانشجو در کلاس درس استاد مورد نظر ممنوع خواهد بود. ام‌آی‌تی هم مانند بقیه دانشگاه‌های آمریکا اساتید و کارمندانی را که مسئولیت دانشجویان را دارند، از هر نوع رابطه

۲- «رَلَّةُ الْعَالَمِ كَانِكِسَارِ السَّيْفِيَّةِ تُعْرِقُ وَ تُعْرِقُ»؛ لغزش و گمراهی دانشمند و عالم مانند شکسته شدن کشتی است که خود غرق می‌شود و دیگران را نیز غرق می‌کند. (کراجکی، ۱۴۰: ۱ / ۳۱۹)

عاطفی یا جنسی با دانشجویان منع می‌کند (www.isna.ir) بدون شک، اتخاذ چنین قوانین سختگیرانه منوط به روابط عاطفی و صمیمانه افراطی است و الا وجود رابطه عاطفی و صمیمی استاد و دانشجو که در چارچوب عرف، شرع و قوانین سازمان صورت بگیرد امری مسلم و پذیرفته شده است. گذشته از اینکه فرهنگ و سبک زندگی آنان برخلاف جامعه اسلامی است، توجه به جانب احتیاط، نیاز به چنین تمهیداتی را ضروری می‌سازد.

متأسفانه درگیر شدن خود دانشجو و برخی اساتید در این ارتباط و ترس دانشجو از آشکار شدن عواقب چنین ارتباطی از یک سو، عدم نشر و اشاعه تخلفات اخلاقی از سوی کمیته‌های انضباطی دانشگاه‌ها در راستای حفظ شأن و مقام استاد و دانشجو از دیگر سو باعث می‌شود بر مشکلات پیش آمده سرپوش گذاشته شود و تمایلی برای همگانی کردن آن نداشته باشند؛ درعین پسندیده بودن برخی از این محافظه‌کاری‌ها از سوی کمیته‌های انضباطی، باید تدابیری اندیشید که از بروز چنین مشکلاتی در امان ماند. آشنایی و ملزم کردن اساتید به کدها و استانداردهای اخلاقی و گذراندن دوره‌های آموزشی و همچنین تهیه منشورات اخلاقی مربوط به سازمان و از همه مهم‌تر توجه دادن به جایگاه و اهمیت نهاد دانشگاه در جامعه، می‌تواند به این موضوع کمک کند. خوشبختانه در مقایسه جزیی این گونه ارتباطات در داخل کشور با کشورهای غربی، شاهد روابط سالم‌تر و آکادمیک در دانشگاه‌های داخل هستیم و اگر چنین مسئله‌ایی در قلب این پژوهش و پژوهش‌های دیگر مطرح می‌شود، انگیزه‌ایی غیر از هشدار و پیشگیری از چنین روابطی نیست.

مؤسسات آموزشی، ویژه آموزش عالی یکی از مهم‌ترین نهادهای سرنوشت‌ساز و الگو موظف و متعهد به پاسداشت این مقام ارزشی هستند. از آنجا که یکی از رسالت‌های آموزش عالی توانمندسازی افراد برای حضور در بازار کار و پذیرش نقش‌های اجتماعی گوناگون است، می‌طلبد که سازمان، کارکنانش را مجهز به ملاحظات اخلاقی بنماید. چرا که مشاهده و بروز ناهنجاری‌های اخلاقی در این طبقه، نه تنها سازمان و مدرسان را به هدف نهایی نمی‌رساند چه بسا به تبع این گونه اعمال ناشایست، استاد را در جایگاه الگوی منفی قرار داده

۱- گاه در این ارتباطها دانشجو، به دلیل ترس از افتادن درس، از دست دادن حمایت و پشتوانه عاطفی خود، تأکید استاد بر حفظ این اتفاق، و همچنین باج‌گیری عاطفی برخی از اساتید از این مسئله، دانشجو را به سکوت و ماندن در این نوع ارتباط نگه می‌دارد. اغلب باج‌گیری عاطفی با ظرافت انجام می‌شود و در متن رابطه‌ای دوستانه و مثبت شکل می‌گیرد. باج‌گیری عاطفی آهسته آهسته و به شکل خزنده‌ای بر ما غلبه می‌کند، با رفتاری که به‌طور نامحسوس با رفتار طبیعی متفاوت است و به تدریج به اعمالی منتهی می‌شود که در ابتدا بی‌رنگند و سپس گسسترش می‌یابند (فوروارد،

که نتیجه آن تأسی برخی از دانشجویان از چنین اساتیدی است. به گونه‌ای که منجر به ادامه دادن و تقلید همان افکار و منش استاد در جایگاه‌های شغلی خود خواهند بود. در نهایت تضمینی برای سلامت اخلاقی و حرفه‌ای آن‌ها در آینده وجود نخواهد داشت. براین اساس لازم است نظام آموزش عالی، الزامات و راهبردهای اخلاق حرفه‌ایی را بیش از هر نهاد دیگری مورد تأکید قرار دهد.

از آنجا که مسئله پژوهش حاضر پرداختن به یکی از چالش‌های اخلاق تدریس یعنی قلمرو رابطه عاطفی و صمیمانه استاد و دانشجو است لازم می‌آید با تأسی از آیات و روایات این مهم را پی بگیریم؛ یکی از مهم‌ترین آیاتی که می‌توان به آن استناد کرد، آیه شریفه ۶۵ سوره کهف است. خداوند متعال این چنین می‌فرماید: { فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا } (کهف / ۶۵) خداوند متعال در این آیه شریفه در مقام معرفی استاد حضرت موسی، وی را با سه ویژگی واجد مقام عبودیت بودن، مشمول رحمت الهی بودن و در اختیار داشتن علم لدنی ستوده است. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۸ / ۶۰) با اینکه هر سه ویژگی مزبور می‌تواند یاری‌گر ما در توضیح مدعا باشد، ویژگی اول یعنی عبودیت محل بحث اصلی ما خواهد بود. فردی که در مقام تعلیم قرار می‌گیرد باید شایستگی لازم را برای این امر مهم داشته باشد یکی از مهم‌ترین ویژگی که از این آیه شریفه قابل استنباط است، رسیدن به مقام عبودیت است. خداوند متعال حضرت خضر را در وهله اول بنده خود می‌داند و تعبیر «عبدنا» حاکی از این است که این بندگی را به ذات شریف خود نسبت می‌دهد و این بر اوج شرافت و بلندی این مقام دلالت دارد. (حقی برسوی، بی‌تا: ۵ / ۲۶۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۸ / ۱۴۶) کسی که افتخاردار مقام عبودیت از سوی خداوند متعال باشد، از لغزش و خطا به دور است و تمام تلاش خود را مصروف چنین پاک‌سازی می‌کند. او در همه حال معیار و ملاکش خداست و او را ناظر بر تمام ابعاد زندگیش می‌داند. مسئله تعلیم نیز یکی از حوزه‌های زندگی اوست؛ اگر فرد همیشه خود را در محضر خدا ببیند در این عرصه هم دچار خطا و اشتباه نخواهد شد. (شاهرودی و نورانی نگار، ۱۳۹۴: ۱ / ۶۸) مقام عبودیت است که انسان را مشمول رحمت الهی می‌سازد، و دریچه‌های علوم را به قلبش می‌گشاید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۴۸۶) تلقی عبد از خود و تمام امکاناتی که در اختیار دارد امانتی است که باید در نگه‌داری آن تلاش کند. از نگاه امام سجاد حق فراگیر بر استاد حفظ ادای این امانت است «وَأَمَّا حَقُّ رِعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ لَهُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۱) استاد و مربی به واسطه علم و دانشی که خدا نصیب او کرده، قیم، راعی، و سرپرست فراگیران شمرده می‌شود. (یوسفیان، ۱۳۹۰: ۳۹ / ۸) حقیقتا کسی که

سرپرست و قیم امری باشد در حفظ و مراقبت از آنچه مالک آن هست تلاش می‌کند. عقل سلیم خیانت در امانت را نمی‌پذیرد. استاد و معلم اگر آگاه به مقام معنوی خود باشند به‌ندرت دچار لغزش‌های اخلاقی خواهند شد؛ اگر یقین کنند که آن‌ها وارثان مقام انبیا^۸ هستند،^۱ و به مانند پدران متعلمین، حق‌پدري بر آن‌ها دارند،^۲ هیچ‌گاه به خود اجازه نخواهند داد در حق فرزندان خود خیانت کنند. گذشته از اینکه مقام عالم آنقدر ارزشمند است که رسول اکرم | فرمودند: «أكرموا العلماء فإنهم ورثة الأنبياء فمن أكرمهم فقد أكرم الله ورسوله»؛ دانشمندان را گرامی دارید که آن‌ها وارثان پیامبرانند و هر که آنان را احترام نماید، خدا و رسولش را احترام نموده است. (پاینده، ۱۳۶۳: ۲۳۶) در همین رابطه از امام علی^۳ است که «مَنْ وَقَرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَرَ رَبَّهُ؛ کسی که به عالمی احترام نماید به خدا احترام نموده است» (لیثی‌واسطی، ۱۳۷۶: ۴۳۹) توجه به این سخنان گهربار، اقتضای پاسداشت مقام استادی است که تلاشی مجدانه را جهت رعایت آن درخواست می‌کند.

نتیجه

اینکه اصل صمیمیت، رقت قلب و ارتباط عاطفی امری پسندیده و مورد تأیید و نشانه رحمت الهی است شکی نیست ولی با توجه به انگیزه و قصد فاعل و همچنین نوع تأثیراتی که می‌تواند بجای بگذارد و نیز لوازمی که به‌همراه دارد، باید درباره این نوع رفتار، داوری و قضاوت نمود و اینکه ممکن است براساس نظریات مختلف هنجاری قضاوت‌ها متفاوت شود که ما در این بخش با تأکید بر نظام تربیتی و اخلاقی متخذ به آموزه‌های دینی به این مسئله توجه کردیم. البته موارد خاص در هر موضوع و مسئله‌ای وجود دارد که راه‌حل‌های خاص خود را اقتضا می‌کند. اما چگونه می‌توان دشواری صمیمیت و عدم صمیمیت را به‌عنوان دو باید اخلاقی حل نمود و به راه‌حل مسالمت‌آمیزی دست‌یافت. در این صورت باید صمیمیت و ارکان آن را با توجه به شرایط و وضعیت‌های مختلف مورد توجه قرار داد، از این‌رو توجه به نکاتی در حل مسئله قابل توجه است:

۱- «فإن العالم الصالح في هذا الزمان بمنزلة نبي من الأنبياء كما قال النبي ص عَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شهیدثانی، ۱۴۰۹: ۱۸۲)

۲- «معلم الخیر یقوم مقام الاب و یجب مثل الذی یجب له عرفوا حقه.» (منسوب به علی بن موسی الرضا، ۱۴۰۶: ۳۳۴)

۱. سطح بندی کردن صمیمیت ۲. توجه به قلمرو صمیمیت ۳. تفکیک متعلق صمیمیت ۴. مدیریت صمیمیت در شرایط خاص ۵. حکم اخلاقی صمیمیت در مواضع خاص ۶. صمیمیت باجنس مخالف ۷. صمیمیت با افراد دارای هوش عاطفی بالا ۷. صمیمیت بر دانشجویان آسیب دیده (افراد مبتلا به طلاق عاطفی، افراد متارکه کرده، فرزندان طلاق، فرزندان یتیم، شکست خورده‌های عشقی و ...)

در نتیجه می‌توان مهم‌ترین عنصر کارگشا در حل پرسش صمیمیت آری یا خیر؟ را محدوده و قلمرو رابطه عاطفی و صمیمی استاد با دانشجو دانست که این امر نیاز به اخلاق حرفه‌ایی را بیش از پیش برای حرفه مدرسی و دیگر حرف تقاضا می‌کند. آنچه می‌توان مدنظر داشت نگاه پیشگیرانه به موضوع است لذا رهاورد آیات و طیف وسیعی از روایات، حفظ تعادل همراه با نوعی مدیریت از سوی استاد که در جایگاه برتری نسبت به دانشجو قرار دارد است. توجه به شأن و مقام استاد و هشدار از پیامدهای ارتباط عاطفی افراطی، مانعی است که جلوگیری کند از پیشامد چنین ارتباطی. در این ارتباط که هم استاد و هم دانشجو گیرودار یک رابطه عاطفی شدید گشته‌اند، موقعیت هر دو را دچار خطر می‌سازد و هویت جامع علمی را مخدوش و زیر سؤال خواهد برد. توجه دادن به جایگاه حساس و ارزشمند آن‌ها و فراهم کردن کارگاه‌ها برای کسب مهارت در حیطه رفتار، آن‌ها را در برابر لغزش‌ها و انحرافات اخلاقی مصون و بیمه خواهد کرد. اسلام، حمایت دوستانه استاد و دانشجو را نه تنها رد نمی‌کند، بلکه بر آن صحنه گذاشته و به ترویج چنین ارتباطی تلاش می‌کند. در حالی که نه به مانند مخالفین که هرگونه رابطه صمیمی استاد و دانشجو را ناشایست می‌دانستند، آن را با حفظ حدود و شئون پذیرا است. وجود روایات مهر تأییدی بر این مسئله است که به برخی از آن اشاره شد.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ۱۴۰۴، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

احدیان، محمد، ۱۳۸۰، مقدمات تکنولوژی آموزشی، تهران، نشر و تبلیغ بشری، چ بیست و دوم. ایمانی‌پور، معصومه، ۱۳۹۱، «اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش»، مجله ایرانی و تاریخ پزشکی، دوره پنجم، ش ۶، ۴۱-۲۷.

آذربایجان، مسعود، و همکاران، ۱۳۸۲، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

باتل، جی ال، و شانون، رابرت ال، ۱۳۶۷، ایده‌های جدید در تعلیم و تربیت، ترجمه ماندانان، سکوتیان، فرهنگخانه اسفار.

بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، ۱۳۶۱، مخزن‌العرفان در تفسیر قرآن، ج ۸، تهران، نهضت زنان مسلمان.

بندورا، آلبرت، ۱۳۷۲، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، شیراز، راه‌گشا.

بنکداری، نسرین، گلنار مهران، طیبه مهور زاده، سیدعباس هاشمی، ۱۳۹۵، «ویژگی‌های استاد شایسته در آموزش عالی ایران: یک مطالعه کیفی» رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲۷، ۱۳۷-۱۱۷. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، نهج‌الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چ چهارم.

پناهی، علی احمد و مسعود جان بزرگی، ۱۳۹۶، روان‌شناسی زن و مرد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ اول.

پناهی، علی احمد، ۱۳۸۸، جوانی فصل شکفتن، قم، انتشارات امام خمینی(ره).

تقوی، علی و سیدحسین سیادتیان، ۱۳۹۴، تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها؛ آری یا نه؟: نگاه ریشه‌ای به تفاوت بین جنس زن و مرد، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

جوادی‌آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، ۱۳۸۷، محقق: حسین شفیعی، قم، اسراء، چ ششم. چراغی، محمدعلی، شهرزاد غیاثوندیان، مریم اسماعیلی، ۱۳۹۳، «ویژگی‌های استاد نمونه: یک مطالعه کیفی»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ش دوم، پیاپی ۵۵.

حائری‌زاده، سیدعلی، احمدرضا اصغر پور ماسوله، حسن نوغانی، سید علیرضا میر انوری، ۱۳۸۸، «بررسی تأثیر روابط اجتماعی استاد- دانشجو بر موفقیت تحصیلی دانشجویان»، علوم اجتماعی(دانشگاه فردوسی مشهد)، ش ۱۳، ۵۲-۲۷.

حقی‌برسوی، اسماعیل، بی‌تا، تفسیر روح البیان، ج ۵، بیروت، دارالفکر.

حیدری، فاطمه، ۱۳۸۹، «پشت پرچین ارتباط دو جنس»، مجله فرهنگ پویا، ش ۱، ۱۰۶-۱۰۳.

خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۸، صحیفه نور، ج ۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی &c.

ذوالفقار، محسن، محمود مهرمهدی، ۱۳۸۳، «بررسی و تحلیل کیفیت تدریس مربیان عضو هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های شهر تهران»، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، ش ۶.

روان‌بخش، حمید، ۱۳۸۴، «اصول اخلاقی در تدریس دانشگاهی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱۰۳-۱۱۶، ۲۷.

رودز، استیون ای، ۱۳۹۲، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، ترجمه معصومه محمدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شاهرودی، محمدرضا، مرضیه نورانی‌نگار، ۱۳۹۴، «آداب شاگری و استادی در بازخوانی آیات مربوط به موسی× و خضر×»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۱، ۸۷-۶۵.

شعبانی ورکی، بختیار، رضوان حسین قلی‌زاده، ۱۳۸۵، «بررسی کیفیت تدریس در دانشگاه»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۳۹، ۲۲-۱.

شهید ثانی، ۱۴۰۹، منبه‌المريد، محقق و مصحح: رضا مختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ اول.

صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن و السنه، ج ۱۸، قم، انتشارات اسلامی.

عباس‌زاده، میرمحمد، ۱۳۷۱، «معلم‌ان و روش‌های کنترل کلاس»، روان‌شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، ش ۵۰، ۱۱۴-۹۷.

عزیزی، نعمت‌الله، ۱۳۸۹، «اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی تأملی بر راهبردهای بهبود استانداردهای اخلاقی در آموزش‌های دانشگاهی»، راهبرد فرهنگ، ش هشتم و نهم.

فورورد، سوزان، ۱۳۸۷، باج‌گیری عاطفی: وقتی اطرافیان از ترس، تعهد، و احساس گناه برای استثمار شما استفاده می‌کنند، مترجم منیره شیخ‌جوادی، تهران، پیکان، چ هشتم.

کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰، کنزالفوائد، ج ۱، محقق و مصحح: عبدالله نعمه، قم، دارالذخائر، چ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، ج ۲، محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چ چهارم.

لیثی‌واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ (لیثی)، محققو مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث، چ اول.

مطلبی‌فرد، علیرضا، حمیدرضا آراسته، مروارید خنجرخانی، سعید صفایی موحد، ۱۳۹۰، «ویژگی‌های یک استاد خوب از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد. یک مطالعه کیفی»، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ش ۴، ۸۳-۶۰.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، ج ۱۲، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چ اول.

منسوب به علی بن موسی امام هشتم×، ۱۴۰۶، محقق و مصحح: مؤسسه اهل‌البیت علیهم‌السلام، مشهد، مؤسسه اهل‌البیت علیهم‌السلام، چ اول.

هاوگن، تورمد، ۱۳۸۸، کاربرد روان‌شناسی در آموزشگاه، ترجمه بدری مقدم، تهران، انتشارات سروش.

یوسفیان، نعمت‌الله، ۱۳۹۰، «حقوق شاگرد بر استاد و مربی از نگاه امام سجاد×»، مربیان، ش ۳۹، ۱۴-۵.

Birkelund,R,2000;Ethics and education.Sagepub,Journal of Nurs Ethics,Vol. 7(6)472-481.

Jarvis,peter, 1997, Ethics and teachingExploring the relationshipbetween teacher and taught,p39-53

Taylor,Shelley and et al,2000;Social Psychology;tenthed prentice-Hall.

https://www.isna.ir/news/9(96110100364).